نقش مددکاری اجتماعی در بلایای طبیعی با تأکید بر زلزله

اکبر بخشی نیا*: دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طبابایی تهران akbar.bakhshinia@gmail.com

چکیده

مقدمه: کشور ما با سوانح و بلایای طبیعی و غیرطبیعی بسیاری روبروست و هر از چند سالی زلزله‌ی مهیبی جان عده‌ای را می‌گیرد و خرابی‌های زیادی به بار مـی‌آورد. سازمان‌ها و گروه‌های مختلفی در جهت پیشگیری از این سوانح و بلایا، و یا در صورتی که اتفاق افتاد، در کاهش خسارت و تلفات و ساماندهی مردم آسیب‌دیده و بازسازی مناطق سانحه دیده درگیر هستند. نقش مددکاران اجتماعی در این حوادث چیست؟ آنان تا به حال چه قدر نقش داشته اند و به صورت مطلوب چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند؟

هدف این مقاله‌ی مروری بررسی و معرفی کردن نقش های مددکاران اجتماعی در بلایای طبیعی، به‌ویژه زلزله است.

منابع اطلاعات: استفاده از منابع داخلی و خارجی در باره‌ی بحران و سوانح طبیعی و اقدامات مددکاران اجتماعی در آن‌ها (شامل ۱۲منبع فارسی و ۱۰ منبع انگلیسی).

روش: با استفاده از روش‌های مروری منظم و به شیوه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای، منابع، مقالات ، کتاب‌ها و اسنادهای مرتبط با موضوع بررسی شدند.

نتایج: رویکرد مددکاران اجتماعی به سوانح و بلایای طبیعی‌که بخش بزرگی از جمعیت را در بر می‌گیرد، مدیریت سانحه، بحران مبتنی بر جامعه، خودامدادی محله‌ای، و مددکاری اجتماعی جامعه‌ای در هماهنگی با سایر سازمان‌ها وسیستم‌هاست. مددکاران اجتماعی می‌توانند در بلایای طبیعی نقش‌های متعددی هم در سطح کلان (جامعه‌ی کلی و جامعه‌ی آسیب‌دیده) و هم در سطح خرد و میانی (فرد و گروه‌های درگیر و آسیب‌دیده) ایفاء نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری: بررسی و تحلیل این نقش‌ها و آگاهی از فعالیتها و اقدامات آن‌ها توسط مددکاران اجتماعی وسازمان‌های دستاندرکار مدیریت بحران، نجات و امداد و همچنین جامعه می‌تواند منجر به استفاده‌ی بیشتراز توانایی‌های مددکاران اجتماعی در این حوزه گردد.

واژگان کلیدی

مددکاری اجتماعی

سوانح طبیعی

زلزله

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: مروری
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۰۱/۱۲

نحوه استناد به مقاله: اکبر بخشی نیا. نقش مددکاری اجتماعی در بلایای طبیعی با تأکید بر زلزله. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳؛ ۳ (٤): ۵۷-٤۸

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

The Role of Social Workers in Natural Disasters with Emphasis on Earthquake

Akbar Bakhshinia*: Ph.D Student of Social Work, Tabatabai University akbar.bakhshinia@gmail.com

Abstract

Introduction: Our country is faced to many natural and unnatural disasters and accidents, and whenever across several years a horrible earthquake is caused to die many people and is caused numerous destructions. Many different organizations and people groups are involved in preventing these disasters and accidents, and if happened, they try decreasing it damages and causalities and rebuilding the damaged zones. What is especially the role of social workers and generally the social work profession in these events? How much have they had already a role, and ideally what roles can they play?

Purpose of this article is examining and introducing the roles of social workers in natural disasters, especially in earthquake.

Data resources: In this study, have been used internal and external resources about natural crises and disasters and the roles of social workers in them (including 12 Persian resources and 10 English resources).

Methodology: In this study, resources, articles, books and documents related with the subject were reviewed based on library and documentary method.

Results: The approach of social work to natural accidents and disasters that embrace a large part of population, is the crisis management, the community based crisis/disasters management, neighborhood self –relief , and community social work coordinated with other systems and organizations. Although, case work and group social work is used within community social work, social workers can play many roles both in macro level (general society and the damaged community), and in micro and meso level (about involved and damaged individuals and groups).

Conclusions: Reviewing and analyzing these roles and being aware from them by both social workers themselves and the practicing organizations in crisis and relief and rescue management and also general public could result in the best useful from strengths and capabilities of social workers in this area.

Keywords

Social Work

Natural Disasters

Earthquake

*Corresponding Author

Study Type: Case study
Received: 06 Mar 2015
Accepted: 1 Apr 2015

Please cite this article as follows: Bakhshinia A. The Role of Social Workers in Natural Disasters with Emphasis on Earthquake. Quarterly journal of social work. 2014; 3 (4); 48-57

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

مقدمه

مددکاران اجتماعی در سوانح و بحران‌های طبیعی(سیل، زلزله، طوفان و...)چه اقدامات،فعالیت ونقش هایی را ایفا می کنند؟ این نقش‌ها چه هستند؟ در سوانح طبیعی بر کدامیک ازآن‌ها تأکید بیشتری می‌گردد و کاربرد بیشتری دارد؟ تفاوت بین نقش‌های مددکاران اجتماعی با دیگر گروه‌های بهداشت روانی مثل روان‌شناسان چیست؟ آیا مددکاران اجتماعی نقش مدافعان و سازمان‌دهندگان را ایفا می کند؟ آیا این حرفه علاقمند به چنین نقش‌هایی برای مددکاران اجتماعی است؟ «پای لس» عقیده دارد که عموماً ما تا به حال برای اجرای چنین نقش‌هایی آماده نشده‌ایم. نقش بازگویی و کاهش اثرات ضربه (تروما) مهم است. با این حال، باید پرسید چه شواهدی ما در دست داریم که این نقش واقعاً مهمترین نیازی است که چنین جوامعی دارند (Specht & Courtney , 1996).

بحران، بلیه، مصیبت، فاجعه، سانحه و ... واژگانی‌اند که در ادبیات نجات و امداد معمولاً به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند. اما با توجه به موضوع مورد مطالعه که در زمره بلایای طبیعی است و با توجه تعاریف ارایه شده، به نظر می‌رسد واژه «سانحه» مناسب‌تر باشد. به هر روی، ابتدا به برخی تعاریف درباره این واژه و واژه‌های مرتبط می‌پردازیم:

«شریفی سده» (کارشناس آموزشی هلال احمر) فاجعه، حادثه، مصیبت، بدبختی و سانحه را معادل Disaster قرارداده و سانحه را چنین تعریف می‌کند: «به تخریب و ویرانی وسیعی گویند که عملکرد جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و سبب آسیب و خسارت به انسان‌ها، اشیاء و محیط زیست می‌شود و همچنین بازسازی ویرانی خارج از توانایی جامعه سانحه‌زده با استفاده از منابع درونی خود می‌باشد». (Sharifisedeh 2010).

«بحران حادثه‌ای است که در اثر رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی به وجود می آید، مشقت، سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات و عملیات اضطراری و فوق‌العاده دارد» (Hossieni, 2008).

«حسینی» می‌نویسد سه نوع حادثه یا بحران را شناسایی کرده‌اند که عبارتند از: بلایای طبیعی(نظیر زمین‌لرزه، سیل، گردباد و آتشفشان و...) ، بحران‌های تکنولوژیکی(ساخته‌ی دست بشر)، بحران‌های سیاسی(مانند جنگ) (همان منبع: ۳۱)

«بحرینی و آخوندی» می‌نویسند: «فاجعه یک پدیده ناگهانی طبیعی است که کارکردها و ساخت و نهادهای اجتماعی را برای یک دوره زمانی به هم می‌ریزد.» به‌عقیده آنان: «سانحه می تواند حوادث طبیعی یا حاصل دست انسان‌ها باشد که آن‌چنان ناگهانی بروز می‌کند و آن‌چنان ویرانگر است که مردم سانحه‌دیده از عهده دفع و رفع خسارت آن برنمی‌آیند و دست کمک به سوی غیر دراز می کنند» (Bahreini & Akhoondi 2000).

«حسینی» مدیریت بحران را چنین تعریف می‌کند: «فرآیند برنامه‌ریزی و اقدامات دستگاه‌های اجرایی دولتی، شهرداری و عمومی است که با مشاهده و تجزیه و تحلیل بحران، به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ و با استفاده از ابزارهای موجود تلاش می‌کند از بحران پیشگیری نماید. یا در صورت وقوع آن در جهت کاهش آثار، ایجاد آمادگی لازم، مقابله، امدادرسانی سریع و بهبود اوضاع تا رسیدن به وضعیت عادی و بازسازی تلاش می‌کند».(Hossieni, 2008).

به هر حال، یک صحنه سانحه را می‌توان به صورت کالبدی در هم ریخته، مردمانی مصیبت زده و مجروح و از حیث روانی آشفته، مدیرانی بهت‌زده و نگران، و اجتماعی بدون کارکردبه تصویر کشید. لیکن نکته مهم این است که خوشبختانه این تصویر پایا و ماندگار نیست (Bahreini & Akhoondi 2000).

اما «زاکور» (Zakour,2005) می‌نویسد پژوهشگران مددکاری اجتماعی سانحه را اینگونه تعریف می‌کنند: «سانحه نوعی موقعیت جمعی استرس‌آور است که در آن موقعیت بسیاری از افراد نمی‌توانند نیازهای خود را از طریق فرآیندهای اجتماعی معمول برآورده سازند (Barton,1969).» سانحه از دیگر انواع استرس‌های جمعی متمایز می‌شود، زیرا سوانح موقعیت‌های بحرانی هستند. این رویکرد متناسب با استفاده از چارچوب‌های مداخله در بحران در پژوهش‌های مددکاری اجتماعی درباره سانحه است.

سوانح اغلب در پژوهش‌های مددکاری اجتماعی با به کارگیری چارچوب استرس (فشار روانی) و تمرکز بر فشار آورنده‌ها و سیستم‌های تحت تأثیر، تعریف می‌شوند. این مفهوم‌سازی از سانحه امکان بررسی و تحلیل اثرات سانحه در سطح خرد، میانی، و کلان را می‌دهد. نظریه استرس، اثرات سانحه را براساس نوع، تقاضاها از سیستم متأثر، و مدت زمان

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

سانحه دسته‌بندی می‌کند.چنین ویژگی‌هایی درباره فاجعه متناسب با نوع‌شناسی «برتن» (Barton 1989) از موقعیت‌های استرس‌زای اجتماعی است (Zakour 2005).

اگرچه در پژوهش‌های مددکاری اجتماعی، سانحه با تأکید بر از هم پاشیدگی اجتماعی تعریف می‌شود، اما جنبه محیطی صدمات و زیان‌ها نادیده گرفته نمی‌شود. استفاده از نظریه‌ی سیستم‌ها در مددکاری اجتماعی تا حد زیادی مبتنی بر دیدگاه «دونکن» (Duncan) است که به اختصار «POET» خوانده می‌شود که اشاره به تعامل متغیرهای جمعیت، سازمان، محیط و فن‌آوری دارد (Norlin & chess, 1997; Quarantelli, 1998).

«مالکوم پین» که مداخله در بحران را به عنوان یک الگوی عملی در مددکاری اجتماعی مطرح می‌کند معتقد است: «مداخله در بحران» شامل توجه اولیه درباره سلامتی و ایمنی مردم، سپس ارزیابی واکنش‌های عاطفی، شناختی و رفتاری به آن واقعه است. ابتدا به واکنش‌های عاطفی قوی پرداخته می‌شود و آنگاه فعالیت بر بازسازی توانمندی‌های افراد متمرکز می‌گردد.

«پین» عقیده دارد در حالی که این الگو با تمرکز بر مشکلات فوری و اضطراری به حل آن‌ها کمک می‌کند و زیربنای نظری برای خدمات بدست می‌دهد، اما تأکید اصلی بر پیشگیری را از دست داده است و اشاره می‌کند: «مداخله در بحران در کمک به افرادی که کل زندگی‌شان در معرض بحران‌های مداوم است، ناتوان می‌باشد» (Payne, Translated by Allahyari and Bakhshinia 2012).

به‌منظور ارائه خدمات و اقدام‌های لازم در مورد بحران ،سانحه و حوادث غیرمترقبه الگوها و روش‌های متنوعی به‌کار گرفته شده است که در آن‌ها افراد گروه‌ها با تخصص‌های متناسب با شرایط و موقعیت بحران به‌کار گرفته شده‌اند.الگو هایی چون مدیریت سانحه و مدیریت در بحران، **مدیریت سانحه مبتنی بر جامعه و مشارکت شهروندان و سازمان‌های غیردولتی، خودامدادی محله‌ای** بدیهی است در مورد این الگوها و مراحل آن نظرات مختلفی ابراز شده است.

روش

در این مطالعه مروری، با استفاده از روش مرور منظم و سیستماتیک و با استفاده از شیوه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب‌ها و سندهای مرتبط با موضوع (بیست و دو منبع شامل ۱۲منبع فارسی و ۱۰ منبع انگلیسی) داخلی و خارجی که درباره‌ی بحران، سوانح طبیعی و نقش مددکاران اجتماعی در آن انتخاب شده بود مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند.

یافته‌ها

مددکاران اجتماعی آموخته‌اند، موقعیت‌ها را به طور جامع ارزیابی نمایند و تمام عوامل اجتماعی، محیطی، و روانی را در نظر بگیرند. بنابراین، وقتی مددکاران اجتماعی به سوانح طبیعی نزدیک می‌شوند ضروری است موقعیت و شرایط را با استفاده از رویکرد جامعی که بر تلاش‌های امدادی تمرکز می‌کند و درباره مناطق سانحه‌زده با پیش رفتن از منظر توسعه‌ای به سوی حالت پایداری، به تحلیل شرایط بپردازند مددکاران اجتماعی از طریق تشکیل و گردآوری تیم‌های چند رشته‌ای برای کمک به فعالیت‌های مربوط به سانحه، در نظر دارند شبکه‌های حمایتی فوری و دیرپا برقرار نمایند.

بدنبال سانحه طبیعی، جوامع پیوسته تلاش می‌کنند ساختارهای داخلی خود را بازسازی کنند. با این حال، نیاز به متخصصان بهداشت روانی نباید نادیده گرفته شود. بعلاوه، در پرداختن به بازسازی اجتماعی توسط سازمان‌های غیردولتی (NGO) و کمک‌های دولتی این فرآیند باید از طریق ملاحظات فرهنگی پیش برود، ضمن آن‌که بخاطر تاثیر روانی اجتماعی سانحه بر کسانی که سانحه زده شده‌اند، باید به نیاز کلی آنان به متخصصان مراقبت بهداشت روانی تأکید گردد (Taubman & Weisz, 2012).

« زاکور» (Zakour) می‌نویسد: مددکاری اجتماعی نیاز بیشتری به پژوهش درباره سانحه دارد تا بر شناخت اثر و کارآیی مداخلات در سوانح بیشترتمرکز کند.

به نظر «زاکور» مدیریت اضطراری بر آمادگی در مقابله با سوانح و برنامه‌ریزی برای هماهنگی منابع اجتماعی در طی سوانح تمرکز دارد (Zakour 1996). سپس می‌گوید مدیران امور اضطراری باید پیشنهادات ناشی از پژوهش‌های مددکاری

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

اجتماعی را در نظر بگیرند. این پیشـنهادات عبارتند از: آ) توجه دقیق به ترکیب گروه‌های بازگویی، و گنجاندن فعالیت‌های سنتی و مذهبی به عنوان بخشی از فعالیت بازگویی. ب) اطمینان حاصل کردن از این که فعالیت‌ها عادی‌سازی می‌شـوند و اقلام مادی (مایحتاج زندگی) از لحاظ فرهنگی متناسب با اردوگاه‌های پناهندگان است. ج) تطبیق دادن عرضه خدمات با مناطق جغرافیایی وسـیع‌تر برای سـازمان‌های پاسـخ‌دهنده به سـانحه. د) ترویج فعالیت‌های آموزشـی مشترک و سیستم‌های اطلاعاتی مشـترک جغرافیایی و فن‌آوری‌های دیگر در جهت افزایـش هماهنگی. ه) تأکید بر بکارگیـری، آموزش و حفظ داوطلبان خدمت در سـوانح. ی) ایجاد ائتلاف‌هـای جامعه‌ای برای کمک به هماهنگی ارایه خدمات در سوانح.

این پیشـنهادات تا حد زیادی مرتبط با ایجاد شـبکه‌های اجتماعی، از جمله شبکه‌های بین سـازمانی، برای مشارکت در ارایه خدمات و اشتراک منابع در طی مدت زمان سانحه می‌باشد.

یـک عنصر اصلی مانده در خصوص بهبود یابی از سـانحه، مرحله بازسازی و توسعه اجتماعی است. مرور ادبیات مربوطه نشان می‌دهد کـه مددکاری اجتماعی کمتر وارد فعالیت در این حوزه شده‌اسـت. دسترسـی به سـلامت و امنیت، مسـکن مناسـب، محیط‌های تمیز و بهداشتی، مشـاغل درآمدزا، و دیگر جنبه‌های توسعه اجتماعی برای کسـانی که در معرض بیشـترین اثرات طولانی مدت آسیب‌پذیری هستند، پس از سانحه بسـیار مهم هستند. اگرچه مددکاری اجتماعی به مداخلات روانی اجتماعی در سوانح می‌پردازد، باید توجه بیشتری به توسعه اجتماعی در بهبودیابی پس از سانحه معطوف دارد.

سازماندهی جامعه‌ای مداخله مهمی است که مددکاران اجتماعی به آن می‌پردازند. هدف‌های سـازماندهی جامعه‌ای، به‌ویژه سازماندهی مبتنی بر همسـایگی (جوامع محلی) عموماً شـامل تشـکیل گروه‌ها، ایجاد عدالت اجتماعی، بدسـت آوردن، حفظ و یا بازسازی قدرت، ایجـاد نهادهای جایگزین و حفظ یا احیای محله‌ها می‌باشـد (Fisher 1996).

«پایلس» (Pyles 2008) بحث می‌کند که تأکید نکردن بر سازماندهی جامعه‌ای در فعالیت و آموزش مددکاری اجتماعی مانعی برای توسعه اجتماعی پس از سانحه است.

«یانی» و «بن جامیـن» (Yanay & Benjamin , 2005) می‌گویند «نقش مددکاران اجتماعی در سوانح، موضوعی پیچیده و همراه با بحث‌های متعدد است. بسیاری عقیده دارند که مددکاران اجتماعی باید به کار امدادی بپردازند، از جمله توانمندی‌هایشـان را برای هماهنگ‌سازی محیط آشـفته و پریشـان امداد سـانحه‌ای، بکار گیرند، و در جامعه در جهت افزایش دسترسـی به منابع برای جمعیت‌های آسـیب‌پذیر یا آسـیب‌دیده کار کنند. برخـی دیگر بر اهمیت نقـش مددکاران اجتماعی در کار کردن با فشـارهای روانی ناشـی از ضربه و خدمـات بازگویی تأکید دارند». به نظـر پایلس، موضوع اصلی برای مـددکاران اجتماعی تسـهیل دسترسـی به خدمات مـورد نیاز اسـت. مأموریت حرفه مددکاری اجتماعی شـامل برقراری ارتباط بیـن گروه‌هـای جمعیتـی آسـیب‌پذیر و سیسـتم‌های ارایه خدمات، ایجاد روابط در بین سیستم‌های خدماتی برای قابل دسترسی کردن منابع برای افراد می‌باشد.

انـواع روش‌هـای فعالیـت مـددکاری اجتماعـی بـا هـدف افزایش دسترسـی به منابـع و خدمـات در سـوانح عبارتنـد از: مدیریـت مـوردی، موردیابـی، خدمـات سیار، مدافعه، واسـطه‌گری اطلاع رسانی و ارجـاع، و کمک مددجویـان که بتوانند از خدمات مورد نیاز استفاده نمایند و همچنین شناسـایی مددجویـان واجد شـرایط برای دریافت کمک. آموزش مشترک فعالیت‌ها و برنامه‌ریـزی برای سـوانح می‌تواند ابزار موثری برای سازمان‌های کوچک‌تر و کم‌تر رسمی باشـد. همچنین مددکاری اجتماعی می‌تواننـد در نقـش سـازمان‌دهندگان جامعـه‌ای و سـازمان‌دهندگان افراد محلی خدمت نمایند(Zakour 2005). پیشـگیری و حمایت‌هـای روانی اجتماعـی دو حوزه‌ی خـاص مداخـلات مـددکاران اجتماعـی اسـت. مداخله در سـطوح مختلف، بخشی از مأموریت تاریخی حرفه می‌باشد و شامل پیشـگیری از طریق ارائه خدمات در سطح سـازمان، جامعه و اجتماع برای ارتقای رفاه افراد می‌باشد.

حمایت‌هـای روانـی اجتماعی از افراد سـانحه‌دیده: نوریـس (Nor-ris ,2002) در مطالعـات خـود دریافت که آشـفتگی‌های روانـی مهمی کـه در میان سانحه‌زدگان ظاهر می‌شود به ترتیب PTSD (اختلال استرس پس از سانحه)، افسردگی، و سـپس اختلالات اضطرابی دیگر اسـت.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

بسیاری از بازماندگان از سانحه، مشکلات بهداشتی، مشکلات مزمن در زندگی، و اضطراب و نگرانی درباره خانه و شغل از دست رفته خود و ... را گزارش کرده‌اند. او دریافت حمایت مداوم از طرف دیگران به افراد کمک می‌کند تا بهتر از عهده مقابله با آن برآیند و نیز پیش‌بینی کنند که آیا افراد از پیامدهای سوانح طبیعی رنج خواهند برد؟ (Glichen , 2007:286).

ارجاع دادن مددجویان، جنبه مهمی از کاری است که مددکاران اجتماعی می‌توانند انجام دهند و اقتضاء می‌کند آنان شبکه بزرگی از تماس‌ها و ارتباطات را در اختیار داشته باشند. دیگر آن که آنان از برآورده شدن نیاز مددجویان به خدمات از طریق سازمان‌های مالی، پزشکی و اجتماعی اقدام می‌کنند.

بوالهری و همکارانش (۴۲:۱۳۸۸) در کتاب «آشنایی با حمایت‌های روانی- اجتماعی برای پزشکان عمومی» می‌نویسند: «مشکلات روانی اجتماعی از اختلال و بیماری متفاوت هستند. مشکلات روانی اجتماعی نوعی آشفتگی وابسته به موقعیت و همچنین واکنش طبیعی در مقابل عوامل استرس‌آور شدید یا مزمن است که بر بهزیستی فرد اثر منفی گذاشته و موجب حالاتی از ناراحتی، رنج و پریشانی و حتی علایمی مشابه علایم اختلالات روانی می‌گردد.» (Bolhari J et al 2009)

به نظر این نویسندگان، در مداخلات و حمایت‌های روانی- اجتماعی، تاب‌آوری مفهومی کلیدی است. زیرا برخی افراد در برابر عوامل بیماری‌زا، استرس‌ها و بحران‌ها مقاومت‌شان درهم شکسته، درمانده و گاه بیمار می‌شوند، اما دیگران در برابر عوامل شدیدتر مقاومت و تحمل نشان داده و به اصطلاح تاب می‌آورند (همان منبع: ۳۱).

در مقدمه‌ی این کتاب که توسط «بوالهری» و دیگران با همکاری یونیسف پس از زلزله بم انتشار یافته بیان شده است: «در شرایط پس از زلزله بم، اجرای برنامه‌های روانی- اجتماعی مستلزم همکاری بیشتر مددکاران اجتماعی، معلمان (به عبارت دیگر، ارایه‌دهندگان خدمات اجتماعی) و به میزان کمتری روانشناسان بود. از آنجا که در مقایسه با بخش بهداشت و درمان، بخش خدمات اجتماعی در کشور ما از لحاظ ظرفیت، مهارت و امکان دسترسی به همکاران بومی ضعیف‌تر بود، یونیسف بسیج و ظرفیت‌سازی این بخش را، از طریق آموزش و تأمین حمایت‌های فنی، آغاز کرد. آنچه که در بم مشهود گردید، که به اعتقاد ما انعکاسی است از وضعیت رایج در کل کشور، این بود که آسیب‌دیدگان برای طیف وسیعی از مشکلات، از جمله مشکلات عاطفی، رفتاری، خانوادگی، ارتباطی به پزشکان عمومی مراجعه می‌کردند. این در حالی است که در کشورهای غربی این نوع مشکلات با مددکاران اجتماعی، کارکنان مراکز اجتماعی، مشاوران مدارس و روانشناسان در میان گذارده می‌شوند». در این کتاب آمده است تا زمانی که یک بخش خدمات اجتماعی تثبیت شده (و کارآمد) در ایران شکل بگیرد، ظرفیت‌سازی پزشکان عمومی یکی از مهم‌ترین اقدامات در عرصه سیاست ارتقای سلامت است (همان منبع : ۱۴).

در دانشنامه مددکاری اجتماعی آمریکا (۲۰۱۰) آمده است: مددکاران اجتماعی در فعالیت‌های داوطلبانه فعال هستند. آنان در مواقع بحران و سوانح، مانند «طوفان کاترینا»، نقش بسیج‌کننده را داشتند. در واقع، مددکاری اجتماعی حدود ۴۰ درصد کارکنان و داوطلبان بهداشت روانی صلیب سرخ آمریکا را تشکیل می‌دهند (-po etner,2010:184).

«بازگویی واقعه» و «مواجهه درمانی» دو شیوه‌ای است که درباره PTSD نتایج مثبتی داشته‌اند. این دو شیوه توسط متخصصان بهداشت روانی (روانپزشک، روان‌شناس، و مددکاران اجتماعی) بکار گرفته می‌شوند (Glichen,2007:291).

در مجله آسیایی روانپزشکی (Asian Journal of Psychiatry)، «گروه نویسندگان» در مقاله‌ای تحت عنوان «پاسخ‌های روانی اجتماعی به سانحه: دیدگاه آسیایی» آورده اند: مجموعه تجربیات آموخته شده از بلایای طبیعی در کشورهای آسیایی، می‌تواند به طور سازنده‌ای در طراحی راهبردها برای پاسخدهی مقتضی به پیامدهای روانی اجتماعی سانحه، هم در داخل آسیا و هم بقیه نقاط جهان بکار گرفته شود (Asian Journal of Psychiatry, 2008). با استفاده از این تجربیات، برخی اصول را می‌توان استخراج کرد:

۱- ارزیابی وسعت تخریب، محور برنامه‌ریزی و پاسخدهی است. این ارزیابی اقتضاء می‌کند کودکان یتیم شده، تعداد بازماندگان، نیروی کار بالقوه و توانای خدمات بهداشتی، باقیمانده ساختار و

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

سازمان بهداشت جسمی و روانی، و همچنین منابع درآمدی که شامل منابع ملی و خارجی می‌گردد، را در نظر بگیریم.

۲- همزمان با مرحله ارزیابی، لازم است برنامه‌ریزی پاسخ‌های بالقوه و مبتنی بر نظام‌های حمایتی اجتماعی و بهداشتی از قبل موجود، و شبکه‌های اجتماعی مرتبط از لحاظ فرهنگی در نظر گرفته شوند. همچنین، دانستن شیوه‌های کمک‌خواهی و دستیابی به منابع از سوی جمعیت مصیب‌زده، ضروری است.

۳- باید از فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی در خصوص پرداختن به مرگ، سوگ، و سوگواری و شناسایی و جابجایی مردگان، و همچنین در جایی که امکان‌پذیر باشد، از به هم پیوستگی خانواده، حمایت شود.

۴- ایجاد ساز و کارهایی با هدف تشویق و تقویت نظام جامعه‌ای که از قبل موجود بوده است، از طریق فعالیت‌ها و حمایت‌های مبتنی بر گروه در جایی که جوامع هنوز وجود دارند، برای افزایش سطح تحمل و تاب‌آوری و احساس خود عاملی برای جوامع در حال بهبودیابی از سانحه، اساسی هستند.

۵- باید به کارکنان خدماتی و امدادی، متخصصان بهداشتی و پزشکی، کارکنان جامعه‌ای، آموزگاران، رهبران مذهبی، شفادهندگان سنتی، و رهبران جامعه، در هر جایی و هر زمانی که امکان پذیر باشد آموزش داده شود. این آموزش‌ها درباره پیامدهای روانی سوانح، تشخیص مورد و مهارت‌های مداخله‌ای ساده می‌باشد. اگر این آموزش‌ها را براساس الگوی آموزش دادن به آموزش‌دهنده) (دادن آموزش لازم به افراد فوق الذکر تا آنان مردم را آموزش دهند) باشد به گسترش مهارت‌ها در بین تعداد زیادی از افراد منجر می‌شود.

همچنین می‌توان فعالیت این افراد را زیر نظر سازمان‌های رفاهی و بهداشتی و تحت سرپرستی متخصصان بهداشت روانی قرار داد. بهتر است این فعالیت‌ها توسط متخصصان بهداشت روانی آگاه و بصیر، و دارای حساسیت به فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی جامعه سانحه‌زده و آشنا به زبان محلی صورت پذیرد.

۶- آموزش می‌تواند بطور مفیدی از طریق روان‌آموزشی مبتنی بر جامعه با بهره‌گیری از رسانه‌ها، گردهمایی‌های محاوره‌ای، تصاویر و نمودارهای عمومی، و فعالیت و مراسم اجتماعی حمایت و تقویت شود.

۷- آموزش‌های پیچیده‌تر باید به افراد متخصص بهداشتی و بهداشت روانی واگذار شود. این افراد باید متخصص در تشخیص و درمان اختلالات روانی به ویژه PTSD (اختلال استرس پس از سانحه)، افسردگی، علایم اضطرابی و افسردگی باشند. همچنین ضرورت دارد این متخصصان دسترسی رایگان به داروهای روانپزشکی داشته باشند و به طور مطلوبی توسط روانپزشکان محلی و غیرمحلی پشتیبانی شوند.

۸- عوامل مخاطره‌آمیزی که می‌تواند بیماری را بدتر کند تشخیص داده شود و این عوامل به حداقل برسد. در این خصوص اقدام در جهت بازگرداندن افراد جامعه به محیط خانه، هر چه زودتر مقدور باشد، عادی‌سازی زندگی و بازگرداندن کودکان به مدرسه و بزرگسالان به کار و یا فعالیت درآمدزا، بازسازی مسکن و ساختارهای درونی جامعه، بسیار کارساز می‌باشد.

۹- شکل‌دهی مجدد نظام‌های بهداشتی و بهداشت روانی، جایی که امکان‌پذیر باشد، برای ارتقای تشخیص مورد (کیس)، ارجاع و درمان در کوتاه مدت یا طولانی مدت، و تشخیص اختلالات مقاوم PTSD، خلقی و اضطرابی.

به‌نظر«سلیمان»و«روج»(Soliman&Rogge,2002) هنگام مداخله در سوانح و کار با افراد آسیب‌دیده و بازماندگان، رعایت اصول مددکاری اجتماعی از جمله: احترام به شأن انسانی، رازداری، رعایت حریم خصوصی، خود تصمیم‌گیری، و همچنین تأکید بر عدالت و مدافعه‌گری ضروری است.

«آلن» (Allen 1993) مسئولیت اخلاقی و حرفه‌ای را برای مددکاران اجتماعی را که تحت شرایط سانحه عمل می‌کنند توصیف می‌کند: «مسئولیت‌پذیری عبارت است از مسئول بودن برای مدافعه‌گری و ایجاد فضای باز برای شنیدن نظر و صدای مددجویان و گسترش گفتگو، به گونه‌ای که آنان بتوانند خودشان، مشکلات، نیازها و راه‌حل‌های ترجیحی‌شان را تعریف کنند.» (Soliman&Rogge,2002)

(با توجه به این که مددکاری اجتماعی جامع‌نگراست و موقعیت را از لحاظ محیطی، روانی،اجتماعی،فرهنگی،اقتصادی،بهداشتی و ... مد نظر قرار داده و بررسی می‌کند، بنابراین مددکاران اجتماعی در مراحل مختلف ارزیابی در سانحه می‌توانند روش‌های منحصر

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

بفردی بکار برند).
- مددکاران اجتماعی در مواجهه با سوانح می‌توانند از هر سه روش فردی، گروهی و جامعه‌ای استفاده نمایند. به‌ویژه، اخیراً که رویکرد مدیریت سوانح مبتنی بر جامعه و یا اجتماعات محلی و محله‌ای و همچنین مراقبت جامعه محور مطرح شده‌است، که مددکاران اجتماعی با توجه به مهارت و تخصصشان در مددکاری جامعه‌ای می‌توانند نقش‌های مهمی در این زمینه به‌عهده بگیرند، از جمله: بسیج منابع، هماهنگی، آموزش، مدیریت، برنامه‌ریز جامعه‌ای، تسهیل کننده، مراقبت کننده و ...
– مدیریت تهیه مایحتاج اولیه زندگی و دریافت و توزیع منابع بین افراد سانحه دیده و نیازمند و بسیج منابع.
– حمایت‌های روانی اجتماعی که به‌ویژه پس از سانحه و از مرحله اولیه و اضطراری سانحه آغاز می‌شود و تا پایان مرحله بازسازی ادامه دارد، از وظایف مددکاران اجتماعی و تیم بهداشت روانی متشکل از مددکار اجتماعی، روان‌شناس و روانپزشک می‌باشد. در این راه از تکنیک‌های مختلف مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی استفاده می‌گردد. همچنین تأمین این خدمات، هماهنگی و مدیریت آن‌ها می‌تواند بر عهده مددکاران اجتماعی باشد.
– انجام پژوهش و اطلاع رسانی و آگاه‌سازی مردم و مسئولان از دیگر نقش‌های آنان محسوب می‌گردد. در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و روان‌شناختی در فعالیت‌های امدادرسانی و در مراحل بهبودیابی و اسکان و بازسازی، و دفاع از حقوق آسیب‌دیدگان از ویژگی‌های خاص مددکاران اجتماعی است. تهیه بانک اطلاعاتی درباره کودکان، زنان، سالمندان سانحه دیده، بیماران و مصدومین، مجروحین و مصدومین اعزامی به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، تکمیل و بهنگام کردن این بانک اطلاعاتی.
– در مرحله اسکان (موقت و اسکان میان مدت و درازمدت) و زندگی در اردوگاه‌ها، مددکاران می‌توانند نقش فعالی داشته باشند که بیشتر براساس مددکاری جامعه‌ای، مراقبت جامعه محور، برنامه‌ریزی جامعه‌ای و نظارت می‌باشد. توجه ویژه به کودکان، زنان، سالمندان و بیماران و .... در این مرحله از اهمیت زیادی برخوردار است. در این مرحله توجه به رفاه اجتماعی، بهداشت محیط زیست و سالم‌سازی آن و توانمندسازی افراد و خانواده‌های سانحه دیده از جمله فعالیت‌های آنان می‌تواند باشد.
– بازسازی شبکه‌های حمایتی، کمک به بهبودیابی، پیشگیری از مشکلات اجتماعی و جسمی دیرپا، کاهش اثرات سانحه، مدیریت موردی، موردیابی، خدمات سیار، مدافعه، واسطه‌گری، میانجیگری، حل مسئله، اطلاع‌رسانی و ارجاع، سازماندهی جامعه‌ای و محلی، کاهش مخاطرات و خسارات بعدی، افزایش منابع، و تسهیل‌گری از دیگر نقش‌های آنان می‌باشد.
– انزوا و طرد اجتماعی، بی عدالتی اجتماعی، حاشیه نشینی و محرومیت که معمولاً در جوامع وجود دارند در موقعیت‌های بحرانی و فاجعه‌آمیز با تخریب محیط تشدید می‌گردد. توجه به این نکات، علاوه بر اینکه در راستای اهداف حرفه‌ی مددکاری اجتماعی است، توجه به اصول اخلاقی و ارزشی حرفه را نیز برجسته می‌سازد.

بحث و نتیجه گیری

مددکاران اجتماعی فعالیت‌های مختلفی در مداخلات مرتبط با سوانح و بحران‌های طبیعی می‌توانند ایفا نمایند. بیشتر فعالیت آنان در خصوص برآوردن نیازهای اضطراری و اساسی مردم سانحه دیده، ارایه‌ی حمایت روانی- اجتماعی، و کمک به بازسازی طولانی مدت می‌باشد. ملاحظات محیطی شامل توجه به حفظ و پایداری تمام جنبه‌های زندگی، از غذا و سوخت تا ساختمان‌ها و بازسازی و... می‌شود.
اما از آنجایی که مددکاران اجتماعی عمدتاً در قالب موسسه و سازمان فعالیت می‌کنند، و از سوی دیگر با توجه به این که مداخله در بحران و سوانح در کشور ما باید در چارچوب مدیریت بحران کشور صورت گیرد، دو نقش را می‌توان برای مددکاران اجتماعی در سوانح و بحران‌ها در کشور ما در نظر گرفت. **۱- نقش‌های بالفعل:** نقش‌هایی هستند که در حال حاضر و در برخی سوانح ایفاء شده‌اند. این نقش‌ها در قالب گروه‌های اعزامی از سوی سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت و درمان، کمیته امداد و ... صورت گرفته‌اند. همچنین از طرف سازمان مدیریت بحران

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

وظایفی بر عهده NGOها گذاشته شده است که مددکاران اجتماعی نیز در برخی از این NGOها حضور داشته‌اند. مثلاً سازمان بهزیستی به منظور حمایت‌های روانی- اجتماعی، مددکاران اجتماعی را به منطقه سانحه زده اعزام می‌دارد. البته باز هم موضوع تمایز وظایف این تیم و فعالیت‌های دقیق مددکاری اجتماعی چندان مشخص نیست. شناسایی گروه‌های خاص سانحه دیده، مانند کودکان، زنان، سالمندان، معلولان و برآوردن نیازهای اولیه‌ی آنان و حمایت از آنان، از دیگر فعالیت‌های مددکاران اجتماعی است.

۲- نقش‌های بالقوه: نقش‌هایی هستند که با توجه به فعالیت‌های ضروری در هر مرحله از سانحه، و با توجه به آموزش‌هایی که مددکاران اجتماعی دیده‌اند و مهارت‌ها و صلاحیت‌هایی که کسب کرده‌اند (با فرض این که آنان به درستی آموزش دیده و تربیت شده‌اند) می‌توانند به ایفای نقش بپردازند.

مسلماً بالفعل شدن این نقش‌ها منوط به معرفی آن‌ها و شناخته شدن این ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها از طرف سازمان مدیریت بحران کشور، هلال‌احمر و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیربط در امر نجات و امداد می‌باشد. بدیهی است بر عهده گرفتن هر وظیفه و نقشی باید در ارتباط با سایر فعالیت‌ها و هماهنگی با دیگر بخش‌های مداخله‌کننده باشد. همچنین، با آموزش لازم و گنجاندن مطالب درسی ویژه و تخصصی در خصوص مداخله در بحران و سوانح در برنامه‌های آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشجویان و مددکاران اجتماعی را می‌توان آماده‌ی ایفای این نقش‌های بالقوه کرد. لازم به ذکر است وظایف و فعالیت‌های مددکاری اجتماعی در سوانح و بحران‌های طبیعی و یا عمومی را می‌توان در قالب «امداد اجتماعی» در تفکیک از مثلاً امداد پزشکی یا روانی و... تعریف نمود. واژه‌ی «اجتماعی» می‌تواند معرّف و وجه ممیزه‌ی این نوع امداد باشد و در ادبیات امداد و نجات از آن استفاده کرد.

منابع

References:

Alaeddini P, Rebuilding damaged zones by earthquake and decreasing vulnerability in iran. The publication of sociologists,1st,2011.

Asian journal of psychiatry, Psychosocial responses to disaster, An Asian Perspective, 1 (2008) 7-14.www.elsevier.com/ locate/aip

Barton, Allen H, 1969. Communities in Disaster. A Sociological Analysis of Collective Stress Situations. Garden City, NY: Doubleday

Bahreini S & Akhoondi A, Management of rebuilding of damaged zones by disasters.1th edition,Tehran university publications, 2000.

Bolhari J et al, Introduction to psychosocial supports for general physicians, Arjemand publication, Tehran,1st edition, 2009.

Glicken, Morley D, Social Work, 21ST century, Sage publications, UK, Ist edition, 2007

Hossieni M, Crisis management, Institute of Sepehr publication,1st edition, 2008.

Norlin, Julia M, and Wayne A, Chess. 1997. Human Behavior and the Social Environment: Social Systems Theory. Boston: Allyn & Bacon.

Ostovarizadkhah Y, Neighbourhood self relief for decreasing dangerability against earthquake, Essay, The quarterly magazine of relief and rescue, 3th year, 2011, No.1 and 2.

Ottsu S, Experiences from Kubeh earthquake, workshop of the securer building house development between communities, Bam, 2004.

Piran P, Sociology of crowd disasters and it role in management of crisis resulted from event, Quarterly magazine of social welfare, 3th year, No.11, 2003.

Payne M, Modern social work theory, Translated by Talat Allahyari and Akbar Bakhshinia, Danje, Tehran,1st edition, 2012.

Shaditalab J, The experience of disaster management in developing countries, The publications of eslami revolution house foundation,1st edition, 1993.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

Sharifisedeh M, Evalution of disaster, issay, Quarterly magazine of relief and rescue, 2th year, No.1 and 2, 2010.
The international red cross federation and Helal Ahmar of Iran, Bam warns, The internal publication of Iran Helal Ahmar society No.11, 2004.
Poertner J, Encyclopedia of social work, 20 ST edition, 2011, National association of social works, Washington DC.
Pyles L, Community organizing for post – disaster social development, http://isw.sagepub.com. 2008
Quarantelli E.L, Editor.1998. What is a Disaster? Perspectives on the Question. New York: Routledge.
Soliman H.H & Rogge M.E, 2002, Electronic journal of social work, ISSN:1537-422X, College of social work university of south Carolina.
Taubman A, and Weisz A, Emerging concerns for international social work and disaster response: from relief to development and sustainability, Columbia social work review, volume II, 2012.
Zakour M.J, Social work and disasters, Journal of social service research, 22 (1/2), 2005.
Zandrazavi S, The sociology and crisis management, experience Bam, Ghatreh publication,1st edition, 2010.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]